

ادامه از صفحه ۶

عاشورا و پس ازعاشورا

آنان گرچه خود شخصا در راه آرمان‌هایشان هزینه دادند و زندانی و مسموم و شهید شدند، ولی قدرت انتخاب را از هیچ‌کس نگرفته، از نفوذ وسیع اجتماعی خود، برای ایجاد درگیری یا ایجاد هزینه‌های مادی و معنوی برای دیگران جهت رسیدن به منافعی خود استفاده نکردند. در طول دوقرن‌ونیم امامت امامان، تنها چهار جنگ اتفاق افتاد. سه جنگ در دوران علی(ع) بود که در هر سه جنگ او آغازگر جنگ نبود، بلکه به‌عنوان حاکم اسلامی، صرفا با کسانی که علیه حکومتی که هم مشروعیت الهی داشت و هم مقبولیت مردمی، اقدام مسلحانه نمودند، مبارزه کرد. هر سه جنگ هم به صورتی بود که درگیری صرفا میان سپاهیان و جنگاوران دو طرف بود و طراحی امیر مؤمنان با صبر و حوصله طولانی‌ای که به خرج داد، به گونه‌ای بود که صرفا سپاهیانی که اقدام به جنگ با آن امام کرده بودند، تلفات دادند و سایرین از مردمان هیچ آسیبی ندیدند.

مسود چهارم نیز مربوط به امام حسین(ع) است که جنگ در وسط بیابان و تنها بین سپاهیان یزید و یاران امام حسین اتفاق افتاد. شاید اگر امام حسین(ع)، به جای درگیری در بیابان، طرحش را به‌گونه‌ای پیش می‌برد که در نهایت، درگیری در یکی از شهرها صورت می‌گرفت، احتمال موفقیتش بیشتر می‌شد، ولی درگیری امام در صحرایی اتفاق افتاد تا به کسانی که همراه حسین‌بن‌علی(ع) نبودند، ناخواسته آسیبی نرسد. حسین‌بن‌علی(ع) در تمامی مسیر مکه تا کربلا، کاملا شفاف عمل می‌کند و همگان را از وضعیت خود و احتمال خطرهایی که وجود دارد مرحله به مرحله آگاه می‌کند. هنگام خروج از مکه، همراه امام بسیار بیشتر از هفتادوچند نفری است که در کربلا شهید می‌شوند. نه آنان و نه حسین(ع)، قصد جنگ و درگیری نداشتند و سفرشان را صرفا سفری به دعوت مردم کوفه برای رهبری حسین‌بن‌علی می‌دانستند. در میانه‌های راه آبی که امام متوجه می‌شود که اوضاع آن‌گونه که او می‌خواهد پیش نمی‌رود و نه‌تنها عهد کوفیان شکسته شده است، بلکه یزید بنا دارد در صورت بیعت‌نکردن امام، خون آن امام عزیز را بریزد. این است که به‌تدریج که اوضاع وخیم‌تر می‌شود، امام پنهان‌کاری نمی‌کند و در منزلگاه‌های مختلف، خصوصا در منطقه زباله، چند روز قبل از روز واقعه، یاران و همراهان را خبر می‌دهد که جلالت و شوکتی در کار نیست و هر قدم که پیش می‌رود به مرگ نزدیک‌تر می‌شود. او یاران را از آنچه احتمالا واقع می‌شود آگاه می‌سازد و همگان را از آن می‌دهد که اگر تمایل ندارند از او جدا شوند که اتفاق بسیاری نیز «از چپ و راست»، راه جدایی بر می‌گزینند و حسین را تنها می‌گذارند. حسین‌بن‌علی(ع)، چنین رخصتی را حتی به خویشان و یاران نزدیک نیز در شب عاشورا می‌دهد و از آنان می‌خواهد که در تاریکی شب به سراغ کار و زندگی خود بروند، اتفاقا همان شب هم چند نفری جدا می‌شوند. آن شب حسین(ع) به یاران در تاریکی شب، صرفا یک تعارف نیست، بلکه او نمی‌خواهد کسی ناخواسته یا به دلیل محظورات عرفی، همراه او شود. او می‌خواهد صحنه روز عاشورا، صحنه‌ای میان خویان خالص و اشقیی الاشقی باشد تا معرکه هلاکت‌ها و رستگاری‌های روز عاشورا، با بیانات و روشنایی‌ها باشد. کارزار عاشورا، تعمیلی است که بر حسین(ع) می‌شود و حسین بنا به دلایلی که مختص او و شرایط اوست، تشخیص می‌دهد که نباید تن به بیعت با یزید بدهد و باید فدایی شود تا زمینه را برای تلاش‌های امامان بعد فراهم کند. اما حتی در این مرزبندی خوین میان حق و باطل، او دیگران را درگیر نمی‌کند و صرفا معدودی از یاران، کاملا داوطلبانه و با آگاهی کامل از آنچه قرار است اتفاق بیفتد، همراه اویند. حتی تا آخرین لحظات نیز، حسین(ع) اعلام می‌کند که بنای جنگ ندارد و او صرفا به دعوت و خواست کوفیان آمده و حال که در این دیار بیاری نیست، او را نیز سودایی نباشد. لذا به یاران اجازه شروع جنگ را نمی‌دهد و ننگ آغاز جنگ با بهترین دشمنان خدا را به پیشانی اشرار آل زیاد و مروان می‌زند.

البته اینکه آنان که حسین(ع) را به بهانه‌های ناموجه ییاری نکردند، باید در درگاه الهی پاسخ‌گوی سستی‌های خود باشند، بحث دیگری است ولی حسین‌بن‌علی(ع)، چنین حقی به خود نمی‌دهد که تا آگاهی کامل از آنچه قرار است اتفاق بیفتد، همراه اویند. حتی تا آخرین لحظات نیز، حسین(ع) اعلام می‌کند که بنای جنگ ندارد و او صرفا به دعوت و خواست کوفیان آمده و حال که در این دیار بیاری نیست، او را نیز سودایی نباشد. لذا به یاران اجازه شروع جنگ را نمی‌دهد و ننگ آغاز جنگ با بهترین دشمنان خدا را به پیشانی اشرار آل زیاد و مروان می‌زند. البته اینکه آنان که حسین(ع) را به بهانه‌های ناموجه ییاری نکردند، باید در درگاه الهی پاسخ‌گوی سستی‌های خود باشند، بحث دیگری است ولی حسین‌بن‌علی(ع)، چنین حقی به خود نمی‌دهد که تا آگاهی کامل از آنچه قرار است اتفاق بیفتد، همراه اویند. حتی تا آخرین لحظات نیز، حسین(ع) اعلام می‌کند که بنای جنگ ندارد و او صرفا به دعوت و خواست کوفیان آمده و حال که در این دیار بیاری نیست، او را نیز سودایی نباشد. لذا به یاران اجازه شروع جنگ را نمی‌دهد و ننگ آغاز جنگ با بهترین دشمنان خدا را به پیشانی اشرار آل زیاد و مروان می‌زند.
خلاصه آنکه امامان، جلوگیری از آشوب و خون‌ریزی به بهانه واقعه کربلا را از وظایف خود در حفظ دستاوردهای عاشورا می‌دیدند و هیچ‌گاه حاضر نشدند آغازگر معرکه‌ای باشند که کنترلی بر پایان آن نداشته باشند. آنان گشتی هدایت و دین‌داری را سوار بر موج‌های تنش‌ها و خون‌های ناخواسته نکردند و بر این باور بودند که چنین کشتی توفان‌زده‌ای بار به منزل نخواهد رساند.

«**پژوهشگر علم و دین، دانشگاه ردیگ**»
همچنین تاکید کرده که خدمات حمایتی آمریکا از هم‌پیمانانش برای پاسخ به این پرسش به سراغ اظهارات خود ترامپ می‌رویم که حامل نشانه‌هایی از زایوه دید اقتصادی‌اش در عرصه سیاست است؛ به این معنا که به احتمال زیاد اقتصاد عنصر مهمی در نگرش سیاسی وی در عرصه‌های مختلف و به‌خصوص در عرصه سیاست خارجی خواهد بود و چه‌بسا عامل مهمی نیز در شکل‌دهی به روابط خارجی آمریکا و شیوه تعامل ترامپ با پرونده‌های جهانی از جمله مسائل خاورمیانه‌ای، منطقه عربی و حتی اختلافات سیاسی با کشورهایی دیگر با رویکرد اقتصادی و مالی باشد. اکنون به سخن ترامپ در قالب عناوینی برخاسته از همین سخنان اشاره می‌کنیم:
۱- «پرداخت هزینه در مقابل خدمات حمایتی»، ترامپ بارها در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش با ادبیاتی غیردیلیماتیک از شیوه مدیریت روابط با کشورهای هم‌پیمان آمریکا چه در خاورمیانه و چه در جنوب شرق آسیا در دولت‌های قبلی آمریکا انتقاد و تاکید کرد که این روابط نباید بدون مقابل مالی و اقتصادی باشد.



تصویب طرح منع فروش هواپیمای مسافربری به ایران

مجلس نمایندگان آمریکا با ۲۳۴ رأی موافق و ۱۷۴ رأی مخالف طرح منع فروش هواپیمای مسافربری به ایران را تصویب کرد و براساس آن وزارت دارایی این کشور باید از مبادلات مالی مرتبط با فروش هواپیمای مسافربری به ایران ممانعت کند. این دومین اقدام آنها در راستای سختگیری بیشتر بر ایران در هفته گذشته است و همین چند روز قبل بود که قانون تحریم‌های علیه ایران را برای ۱۰ سال دیگر تمدید کردند. اکنون هر دو طرح – منع فروش هواپیماهای مسافربری به ایران و تحریم‌های علیه ایران برای ۱۰ سال آتی– باید به تأیید مجلس سنا برسد. تأیید سنا نقطه پایان ماجراست و این طرح برای اجرایی‌شدن به امضای رئیس‌جمهور نیز نیاز دارد. رئیس‌جمهوری که به‌زودی باید جای خود را به دونالد ترامپ دهد و کاخ سفید را ترک کند، به عبارت روشن‌تر سرنوشت پرونده فروش هواپیماهای مسافربری به ایران تا حد زیادی به این بستگی دارد که طرح مذکور در یک‌ماه‌وندی دیگر به دست اوپاما برسد و آن‌طور که آوشویندیرس مدعی است، وتو شود یا به دست دونالد ترامپ برسد و سریعاً امضا شود. بعد از این امضا مصوبه کنکره اجرایی‌شده و حتی مجوزهایی که پیش‌تر صادر شده، مانند توافق فروش ایرباس و بوئینگ را نیز باطل می‌کند. با این حساب یک معامله ۴۲میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلاری منتفی خواهد شد. قرار بود که ایرباس ۱۱۸ فروند هواپیم‌به ارزش ۲۵ میلیارد دلار و بوئینگ ۸۰ فروند هواپیم‌به ارزش ۱۷میلیارد۰۰۰میلیون دلار به ایران بفروشد. دولت اوپاما بعد از توافق هواپیم‌ها با ایران رفع برخی از تحریم‌ها این مجوزها را صادر کرده بود و جمهوری‌خواهان همه تلاش خود را می‌کردند تا مانع آن نشوند. مخالفان توافق هسته‌ای اکنون نماینده خود را به کاخ سفید فرستاده و در مجلس نیز مصوبه‌ای در جهت شتاب خود تصویب کرده‌اند. آنها مدعی هستند هواپیماهای مذکور در اختیار یک کشور حامی تروریسم قرار می‌گیرد. درحالی‌که ایران بارها ادعاهای بی‌اساس غربی‌ها درباره حمایت ایران را از تروریسم رد و تأکید

می‌کنند، حتی اگر این مدعی خود دونالد ترامپ باشد. ترامپ از رهگذر سیاسی وارد بازار سیاست نشد، بلکه از دروازه اقتصاد و بازرگانی با به این عرصه گذاشتنی، وی سال‌های سال به‌دور از سیاست و مناصب سیاسی به تجارت و بازرگانی اشتغال داشت و این مسئله بدون شک ما را با سؤالاتی درباره سایکولوژی ذهنیت و چارچوب‌های ذهنی وی به‌عنوان سکان‌دار جدید کاخ سفید مواجه می‌کند. اینکه گذشته گذشته و بیشتر زندگی ترامپ را به خود اختصاص داده است، چگونه ممکن است اندیشه سیاسی، عملکرد و رفتارش را به‌عنوان یک دولتمرد به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی تحت‌الشعاع قرار دهد و آیا اقتصاد جهت‌دهنده روابط خارجی ایالات متحده آمریکا در این دوره خواهد بود یا نه؟

برای پاسخ به این پرسش به سراغ اظهارات خود ترامپ می‌رویم که حامل نشانه‌هایی از زایوه دید اقتصادی‌اش در عرصه سیاست است؛ به این معنا که به احتمال زیاد اقتصاد عنصر مهمی در نگرش سیاسی وی در عرصه‌های مختلف و به‌خصوص در عرصه سیاست خارجی خواهد بود و چه‌بسا عامل مهمی نیز در شکل‌دهی به روابط خارجی آمریکا و شیوه تعامل ترامپ با پرونده‌های جهانی از جمله مسائل خاورمیانه‌ای، منطقه عربی و حتی اختلافات سیاسی با کشورهایی دیگر با رویکرد اقتصادی و مالی باشد. اکنون به سخن ترامپ در قالب عناوینی برخاسته از همین سخنان اشاره می‌کنیم:
۱- «پرداخت هزینه در مقابل خدمات حمایتی»، ترامپ بارها در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش با ادبیاتی غیردیلیماتیک از شیوه مدیریت روابط با کشورهای هم‌پیمان آمریکا چه در خاورمیانه و چه در جنوب شرق آسیا در دولت‌های قبلی آمریکا انتقاد و تاکید کرد که این روابط نباید بدون مقابل مالی و اقتصادی باشد.

همچنان که از قدیم گفته شده، شخصیت و تفکر انسان زاییده محیط پیرامونی خود است؛ البته محیط صرفا شامل مکان ولادت یا پرورش آدمی نیست، بلکه فراتر از آن شامل محیط‌های کاری و تحصیلی نیز می‌شود که تأثیرات آشکاری بر طرز تفکر و رفتار انسانی می‌گذارند و به‌سادگی نمی‌توان آنها را کنار گذاشت. از این زاویه، انسان اسیر آثاری است که زیست‌بوم بر او می‌گذارد و این تأثیرات در میان افراد درجات متفاوتی دارد. وقتی انسان از مرحله‌ای در زندگی با به دوره‌ای مهم‌تر می‌گذارد، در حقیقت آثار مراحل قبلی را تحت عنوان پیشینه یا گذشته در تمامی جوانب ذهنی، فکری و رفتاری شخصیتش همراه خود دارد. از این زاویه، این نوشتار به بررسی میزان تأثیری می‌پردازد که ممکن است پیشینه اقتصادی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، بر سیاست خارجی این کشور بگذارد. قبل از ورود به بحث اصلی، ذکر این نکته ضروری است که با توجه به شخصیت متغیر و رازآلود ترامپ، سخن‌گفتن از سیاست خارجی وی بسیار دشوار و نوعی «باز در قفس‌کردن» است. جرمی شاپیرو (Jeremy Shapiro) رئیس بخش پژوهش‌های شورای روابط خارجی اروپا این دشواری را به‌درستی در عبارتی دقیق چنین توصیف کرده است: «کسی را که مدعی شناخت سیاست‌های آتی ترامپ است، باور نکند، حتی اگر این مدعی خود دونالد ترامپ باشد».

ترامپ از رهگذر سیاسی وارد بازار سیاست نشد، بلکه از دروازه اقتصاد و بازرگانی با به این عرصه گذاشتنی، وی سال‌های سال به‌دور از سیاست و مناصب سیاسی به تجارت و بازرگانی اشتغال داشت و این مسئله بدون شک ما را با سؤالاتی درباره سایکولوژی ذهنیت و چارچوب‌های ذهنی وی به‌عنوان سکان‌دار جدید کاخ سفید مواجه می‌کند. اینکه گذشته گذشته و بیشتر زندگی ترامپ را به خود اختصاص داده است، چگونه ممکن است اندیشه سیاسی، عملکرد و رفتارش را به‌عنوان یک دولتمرد به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی تحت‌الشعاع قرار دهد و آیا اقتصاد جهت‌دهنده روابط خارجی ایالات متحده آمریکا در این دوره خواهد بود یا نه؟

برای پاسخ به این پرسش به سراغ اظهارات خود ترامپ می‌رویم که حامل نشانه‌هایی از زایوه دید اقتصادی‌اش در عرصه سیاست است؛ به این معنا که به احتمال زیاد اقتصاد عنصر مهمی در نگرش سیاسی وی در عرصه‌های مختلف و به‌خصوص در عرصه سیاست خارجی خواهد بود و چه‌بسا عامل مهمی نیز در شکل‌دهی به روابط خارجی آمریکا و شیوه تعامل ترامپ با پرونده‌های جهانی از جمله مسائل خاورمیانه‌ای، منطقه عربی و حتی اختلافات سیاسی با کشورهایی دیگر با رویکرد اقتصادی و مالی باشد. اکنون به سخن ترامپ در قالب عناوینی برخاسته از همین سخنان اشاره می‌کنیم:
۱- «پرداخت هزینه در مقابل خدمات حمایتی»، ترامپ بارها در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش با ادبیاتی غیردیلیماتیک از شیوه مدیریت روابط با کشورهای هم‌پیمان آمریکا چه در خاورمیانه و چه در جنوب شرق آسیا در دولت‌های قبلی آمریکا انتقاد و تاکید کرد که این روابط نباید بدون مقابل مالی و اقتصادی باشد.

وی همچنین تاکید کرده که خدمات حمایتی آمریکا از هم‌پیمانانش

دیپلماسی



آمادگی ایران برای فروش مازاد آب سنگین

ایران باید به توافق برجام پایبند بماند و ذخایر آب سنگین خود را به کمتر از ۱۳۰ متریک تن کاهش دهد. این موضوعی است که یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز پنجشنبه در گزارش خود به شورای حکام آژانس بین‌المللی اعلام کرد. این دومین‌بار است که او به فراتر رفتن ذخایر آب سنگین ایران از حد مجاز اشاره می‌کند.

آمانو با تأکید بر اینکه «ایران متعهد شده است تا مقدار اضافی آب سنگین را تحت نظارت آژانس از کشور خارج کند»، گفت: «اینکه در آینده از پیش‌آمدن چنین شرایطی اجتناب شده تا اعتماد جامعه بین‌المللی به اجرای برجام حفظ شود، بسیار حائز اهمیت است».

مدیرکل آژانس انرژی اتمی همچنین تصریح کرد ایران در حال تهیه مقدمات انتقال مقادیری از آب سنگین خود به کشورهای دیگر، تحت نظارت آژانس است. او دو هفته قبل نیز نگرانی‌های خود را درباره مازاد آب سنگین ایران، به اطلاع علی‌اکبر صالحی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان، رسانده و از تلاش‌های ایران برای فروش و صدور این مقدار مطلع شده بود. این گزارش آمانو با واکنش‌هایی از سوی جان کری، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا و رضا نجفی، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مواجه شد. کری ضمن تأیید اینکه ایران گام‌های مثبتی برای رفع این مشکل بردشته است، گفت پیش از این، نگرانی خود را درباره تجاوز اندک ذخایر آب سنگین ایران از سقف مجاز، به ایران منتقل کرده‌اند.

او با بیان اینکه «ما قطعاً با آژانس موافقیم که ذخایر آب سنگین ایران اندکی از سقف مجاز؛ یعنی مقدار اضافی حدود یک‌دهم متریک تن از ۱۳۰ متریک تن مجاز، فراتر رفته است و ایران باید فوراً اقدامات لازم را برای رفع این مشکل در راستای اجرای تعهداتش در برجام اتخاذ کند»، تصریح کرد: «این موضوع را برای ایران شفاف کرده‌ایم که خواستار رفع سریع مشکل پیش‌آمده هستیم و ایران نیز گام‌های مثبتی دراین‌باره برداشته

است».

نقش پیشینه اقتصادی ترامپ در ترسیم سیاست خارجی جدید آمریکا

صابر کل‌عنبري

ن باید رایگان باشد و آنها باید در مقابل این حمایت‌های امنیتی و نظامی که از واشگتن دریافت می‌کنند، پول و به عبارت بهتر «هزینه» پرداخت کنند. چه‌بسا در این میان بیشترین انتقادات ترامپ نصیب عربستان سعودی شد، به‌گونه‌ای که وی چند بار از خودداری از خرید نفت عربستان دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در صورت ارسال‌کردن نیرو برای جنگ با داعش یا پرداخت‌نکردن هزینه‌های نظامی آمریکا در این جنگ سخن گفت.

۲- سیاست «نفت در مقابل حمایت»، از سوی دیگر، ترامپ در آگوست گذشته در گفت‌وگویی با شبکه فاکس نیوز در اظهارنظری پیرامون سرنگونی سرهنگ کدافی، رئیس‌جمهور لیبی، گفته بود که دولت اوپاما می‌بایست در مقابل سرنگون‌کردن کدافی شرط می‌کرد که نیمی از نفت لیبی را از معارضان لیبیایی دریافت کند. این خود نشانه دیگری است که ترامپ منافع اقتصادی را بر منافع سیاسی به‌عنوان مثال در پرونده لیبی ترجیح می‌دهد. این سخنان ترامپ، خود گویای رویکرد سیاسی وی در قبال لیبی در مرحله آتی است و از این زاویه هر کدام از طرف‌های درگیر در این کشور که حاضر باشند بیشترین مقدار از نفت کشورشان را در اختیار آمریکا بگذارند، تحت حمایت دولت جدید این کشور قرار می‌گیرند.

۳- «برخورد اقتصادی با برجام»، همه از مخالفت شدید ترامپ با برجام و بهره‌برداری گسترده وی از آن در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش خبر دارند، به‌گونه‌ای که چند بار اعلام کرد اولویتش در صورت رئیس‌جمهورشدن لغو این توافق «فاجعه‌بار» با ایران است. اما درعین‌حال در سخنانی متناقض در نشست گروه ایک در مارس ۲۰۱۶ گذشته در گفت‌وگویی با شبکه فاکس نیوز در اظهارنظری پیرامون سرنگونی سرهنگ کدافی، رئیس‌جمهور لیبی، گفته بود که دولت اوپاما می‌بایست در مقابل سرنگون‌کردن کدافی شرط می‌کرد که نیمی از نفت لیبی را از معارضان لیبیایی دریافت کند. این خود نشانه دیگری است که ترامپ منافع اقتصادی را بر منافع سیاسی به‌عنوان مثال در پرونده لیبی ترجیح می‌دهد. این سخنان ترامپ، خود گویای رویکرد سیاسی وی در قبال لیبی در مرحله آتی است و از این زاویه هر کدام از طرف‌های درگیر در این کشور که حاضر باشند بیشترین مقدار از نفت کشورشان را در اختیار آمریکا بگذارند، تحت حمایت دولت جدید این کشور قرار می‌گیرند.

۱- رویکرد «زودبندهای اقتصادی»، این سیاست ممکن است به‌عنوان یک رویکرد اساسی در سیاست خارجی جدید آمریکا به‌ویژه در برخورد با پرونده‌های داغ جهانی و روابط خارجی دنبال شود. آنچه این گمان را تقویت می‌کند، صاحب‌های است که خود ترامپ در ۲۶ مارس ۲۰۱۶ با روزنامه نیویورک تایمز انجام داد. ترامپ در این مصاحبه گفته که ایالات متحده آمریکا

نگاه

پیروزی نفتی ایران درزمین هند

آزاده بابایی‌نژاد

● صادرات نفت ایران به هند در ماه اکتبر (ماه گذشته میلادی) برای اولین‌بار بعد از رفع تحریم‌های هسته‌ای، از میزان صادرات نفتی عربستان به این کشور بیشتر شده است. به‌این‌ترتیب، ایران با فروش روزانه ۷۸۹ هزار بشکه، بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به هند در ماه گذشته بوده است. هند بعد از چین، دومین خریدار بزرگ نفت ایران در آسیا به‌شمار می‌آید. برخی آگاهان سیاسی، پیشی‌گرفتن صادرات نفت ایران به هند را با این استدلال که عربستان در ازای فروش نفت ارزان (آن‌هم به کشوری که نیاز مبرم به انرژی دارد) پول نقد دریافت و می‌تواند کسری بودجه خود را برطرف کند، امری گذرا و موقتی توصیف می‌کنند. به باور این کارشناسان،

آینده روابط دهلی – ریاض رو به بهبود است، به‌طوری‌که اگر نمودار روابط دوجانبه را بررسی کنیم، از سال ۲۰۰۶ تاکنون از حجم هفت میلیارد دلار ابتدای ۲۰۰۱ به رقمی در حدود ۵۰ میلیارد دلار رسیده است، به این فهرست باید سرمایه ۶۰میلیارددلاری، سه میلیون شهروند هندی ساکن در عربستان و امارات را نیز افزود. باید گویم حجم روابط تجاری هند با کشورهای خلیج‌فارس چیزی بیش از دوبرابر حجم روابط دهلی با کل اروپاست. پیشینه بهبود روابط دهلی– ریاض به سفر «مان موهان سینک»، نخست‌وزیر هند به عربستان، در سال ۲۰۱۰ بازمی‌گردد که نقطه‌عطفی در روابط دو کشور، به‌شمار آمد و در جهش ناگهانی روابط دو کشور، تأثیر داشت. وقتی که مان موهان سینک به عربستان رفت، برای اولین‌بار ولیعهد عربستان و اعضای کابینه‌اش برای استقبال از هیات هندی به فرودگاه رفتند و در مسیر ۴۵ کیلومتری از فرودگاه تا کاخ پادشاهی یا محل ضیافت، تمام مسیر را با پرچم‌های هند و عربستان تزئین کردند و استقبال بی‌سابقه‌ای از نخست‌وزیر هند شد که در تاریخ روابط کشورها کمتر سابقه داشت. از همان زمان روابط دو کشور جهش پیدا کرد و تقریباً مسائل پاکستان، تروریسم، موضوع کشمیر و فلسطین که قبلاً درباره آنها با هم اختلاف داشتند، سعی کردند که روابط دوجانبه خود را با آنها پیوند زنند، اما درعین‌حال نباید از نظر دور داشت که بسیاری از مقام‌های هندی، حمایت مالی ریاض از گروه‌های تندرو مذهبی این کشور و نیز حضور آنان از رهبران این جریان‌ات تندروزیست در خاک عربستان را دستمایه کاستن از حجم روابط کرده و بهبود رابطه با تهران به‌جای ریاض را اولویت می‌دانند و از افزایش صادرات نفت ایران به هند به‌عنوان سرآغاز بهبود روابط دوجانبه یاد می‌کنند. حال باید دید که آیا تهران به سیر صعودی معاملات نفتی خود با هند ادامه خواهد داد یا اینکه عربستان با توسل به راهکارهای تشویقی، جای ایران را در روابط نفتی خواهد گرفت.

●

روزنه

گزینه‌های وزارت خارجه در ایالات متحده:

ترامپ برجام را حفظ می‌کند

● ترامپ برجام را حفظ خواهد کرد؛ این را باب کروکر، سناتور ارشد جمهوری‌خواه و مخالف برجام که این روزها به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی تصدی وزارت خارجه در دولت ترامپ است، می‌گوید. پیشنهاد او برای دولت جدید ایالات متحده این است، موضع نرم‌ترتری در رابطه با برجام اتخاذ کند و با جناح جمهوری‌خواه در کنگره برای بررسی توافق برجام در شکل کنونی آن همکاری کند.

رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا به شبکه سی‌ان‌ا گفته است: «من فکر نمی‌کنم ترامپ به برجام را پاره کند و فکر می‌کنم این روش درستی برای آغاز کار نیست. من فکر می‌کنم کاری که او باید بکند آن است که با کشورهای دیگر عضو برجام به ایسن اجماع نظر برسد که ایران در حال نقض توافق است». کروکر که یکی از مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای با ایران بوده است، می‌گوید: «من فکر می‌کنم حمایت فراجانبی در کنگره در رابطه با انجام اقدامات لازم به دلیل نقض برجام از سوی ایران وجود داشته باشد».

او این اظهارات را در حالی مطرح می‌کند که یکی دیگر از گزینه‌های وزارت خارجه در دولت ترامپ نیز، از نشدنی‌بودن لغو کامل برجام می‌گوید. به گزارش ایسنا، رودی جولیانی شهردار پیشین نیویورک که بیشترین شانس را برای وزیرخارجه‌شدن دارد را تأکید بر اینکه لغو کامل توافق هسته‌ای ایران امری نشدنی است، از احتمال بازنگری در برخی از بندهای این توافق سخن می‌گوید. او با اشاره به اینکه توافق هسته‌ای ایران اولویت دوم دولت ترامپ است، گفت مهم‌ترین مسئله مبارزه با تروریست‌ها است. به گفته جولیانی، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دولت ترامپ نابودی گروهک تروریستی داعش است و نابودی این گروهک مهم‌تر از هر مشکل دیگر در خاورمیانه است.

او با بیان اینکه اختلافات و تنش‌های موجود بین کشورهای منطقه منجر به جنگ بزرگ منطقه‌ای خواهد شد، مدعی شد که دخالت‌های ایران در عراق و سوریه یکی از دلایل ایجاد تنش در منطقه است.